



دکتر صدرا؛ معمار دولت اسلامی

پدیدآورنده (ها) : سلگی، محسن

علوم اجتماعی :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا :: پاییز و زمستان ۱۴۰۱ - شماره ۴۲ و ۴۳

صفحات : از ۲۱۰ تا ۲۱۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2020016>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم؛ (اولویت‌ها، چالش‌ها، راهکارها)؛ سخنران: دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی؛ گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۴)
- دکتر همتی رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران: رشد بیش از ۱۰۰ درصدی صنعت بیمه در دولت یازدهم
- شهید دکتر باهنر معمار فرهنگی انقلاب اسلامی
- اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری دکتر روحانی در دولت یازدهم
- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دو دولت یازدهم؛ (اولویت‌ها، چالش‌ها، راهکارها)؛ سخنران: دکتر محمدرضا دهشیری؛ گزارش نشست علمی-تخصصی دفتر مطالعات سیاسی
- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم (اولویت‌ها، چالش‌ها، راهکارها)؛ سخنران: دکتر محمدحسن خانی؛ گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۶)
- مقایسه عوامل مؤثر بر روابط فدراسیون روسیه با دولت های جمهوری اسلامی ایران و ترکیه
- تاثیر متقابل موسیقی مذهبی و معماری عصر قاجار در تحول فضاهای جمعی اسلامی(نمونه موردی: تکیه دولت تهران)
- تازه‌های نشر؛ واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی؛ نویسنده: حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضا غلامی
- اظهارنظر کارشناسی درباره: «لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسوولیت برای دعاوی دریایی»



دکتر صدرا! معمار دولت اسلامی

دکتر محسن سلگی *

بدون خشونت داشته باشند. به هر حال، توانایی حقیقی یک بوکسور نه در مقابل آینه و یا هر شیء دیگری که در برابر یک بوکسور دیگر سنجیده می‌شود. از این حیث دکتر صدرا با این که اهل رجز خواندن در گفت و گو نبود، با عشق و تواضع و عقلانیت و شوق و ورزشدگی گفت و گو را می‌پذیرفت و به قواعد آن که یکی همان اثبات حقیقت به جای اثبات خود است، پایبند بود.

دکتر علیرضا صدرا از این حیث سنجیده بود که خودسنجی نقاد داشت و با وجود توان بافتن شبهه استدلال، اما از آن دوری می‌جُست. سنجنده بود از آن حیث که گفته را به محک عقل می‌برد و در سنجه آن می‌نهاد.

او حتی به راحتی اشتباهات خود را (گرچه شد و ندر یافتن خطا در گفتار او) می‌پذیرفت، بی‌آنکه حریف این اشتباه را به او متذکر شود و پیروزی را نه در غلبه بر حریف و نه حتی در غلبه سخن که در کشف درستی می‌دانست. صدرا همواره در پی کشف بود. او حتی پیروزی را در شکست خود هم می‌یافت؛ مشروط بر اینکه حقیقت، کشف و آشکار و شکار شود، اما شکست بزرگ رازمانی می‌دانست که آنکه مدعایی

دکتر علیرضا صدرا سنجنده و سنجیده بود. جنگنده و جنگیده هم بود (اشاره به حضور ایشان در دفاع مقدس). جنگ او با استدلال گشوده و قلب و روی گشاده‌اش علیه جنگ و پیش‌داوری و گفت‌وگو هراسی بود. او وارد مباحثه می‌شد و از آنجاکه نه به الگوی مهندسی و مبتنی بر شیء وارگی انسان که به الگوی معماری و انسان‌مدار و تفاوت‌محور باور داشت، معتقد به گفت و گو به جای گفت و شنود بود.

گفت‌وگو رابطه‌ای انسانی و برابر و در مقابل گفت و شنود است که در آن گفتار، شنونده را گرفتار شینیت و ماشینی شدن می‌کند. گویی او که می‌شنود، یک ضبط صوت است. البته اگر بتواند از این مرتبه هم تنزل نکرده و گفتار را به خاطر بسپارد. بر این اساس، دکتر صدرا خلاق شناخته می‌شد و ذهنش مدام در انفجار خلاقیت و پر از مهر و عشق بود.

ویتگنشتاین می‌گفت فیلسوفی که وارد گفت‌وگو نشود، مانند بوکسوری است که وارد رینگ نمی‌شود. وارد رینگ شدن لزوماً منجر به آسیب‌رساندن دو مبارز نمی‌شود و حتی چه بسا آنها توافق کنند که سایه کار کرده و ضرباتی مماس و

وجه دیگر دوکانونی بودن مرحوم دکتر صدرا آن بود که هم در نظر و نظریه بود و هم در عمل. عمل‌گرایی او تا حدی بود که در نهادسازی و تأسیس دانشگاه باقرالعلوم نقش محوری داشت. در لایه سازمانی علوم انسانی اسلامی نیز این عمل‌گرایی را نشان داد و بدین ترتیب مدام میان نظر و عمل در سفر بود.

همواره مستعد یک‌جانبه‌گرایی یا تقلیل نقش مردم. در روا بودن حکم، مفهوم رضایت بس جدی‌تر از راندن است. کلام آخر اینکه او مثل آب روان بود و خلاق و روشن و جاری باز هم مثل آب. حکومت و سیاست را نیز چنین می‌خواست. او مصداق بارز وحدت‌دین و سیاست و علم و عالم و معلوم بود. او مصداق آرمان صدق (مطابقت با واقع و یگانگی با واقعیت) و صادق بودن اخلاقی بود. صدق نظری و عملی، یک وجه از وجوه دوکانونی بودن او بود. وجه دیگر دوکانونی بودنش آن بود که دستی در دانش‌های جدید غربی داشت و دست دیگرش در تراث حکمی و معرفتی اسلام بود و این کمک می‌کرد تا گسل‌ها را به خوبی ببیند و میان و فراز آنها ایستاده به‌مثابه یک ذو‌حکمتین (حکمت غرب و شرق)، تفسیر، داوری و تجویز کند.

وجه دیگر دوکانونی بودن مرحوم دکتر صدرا آن بود که هم در نظر و نظریه بود و هم در عمل. عمل‌گرایی او تا حدی بود که در نهادسازی و تأسیس دانشگاه باقرالعلوم نقش محوری داشت. در لایه سازمانی علوم انسانی اسلامی نیز این عمل‌گرایی را نشان داد و بدین ترتیب مدام میان نظر و عمل در سفر بود. ■

پی‌نوشت

* دانش‌آموخته دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
Atash.bimonthly@gmail.com

نادرست دارد، متوجه نادرستی آن نشود. البته او نه در پی پیروزی دیگری یا در پی پیروزی خود که در پی درستی است، گرچه ممکن است پیروزی هم در پی و پیرواستی و راست‌آزمایی بیاید. فرق است میان هدف و پیامد. برای او پیروزی می‌تواند پیامد باشد نه هدف.

صدرا به جای پیروزی در پی روزی بود که سخن استخوان بیاید. مفصل‌بندی و اسکلت‌بندی داشته باشد تا شاید تن درست گردد. او یک مبنی‌گرا یا پی‌گراست، اما بس سازگار و منسجم سخن می‌گفت. همه اینها را می‌توان به‌مثابه علم با مساوقت وجود و علم توضیح داد. علم حصولی

او هم به حضور رسیده بود. او رابطه‌ای وجودی با پیرامون و ذهن خود پیدا کرده بود و بدین سان علم او مجرد بود؛ مجرد به معنای صدرايي که دست بر قضا، وجودی و آبستن و مجرای زندگی و حیات واقعی و عینی است. او هم منطق گزاره‌ای و هم منطق وجودی را خوب بلد بود. برای او تفکر نه تنها یک شغل نبود یا تنها شغل و حتی اشتغال خاطر نبود که خطرکردن و ماجرا بود. اساس این، فلسفه صدرا و درک امامی (امام خمینی (ره)) او از ملاصدرا و فلسفه صدرايي بود. هم صدر و سینه‌اش مملو از صدرا و هم خودش یکی از صدرهای فلسفه صدرا بود. مصداق اتحاد علم و عالم و معلوم بود. تواضع علمی او از دور هم معلوم بود.

او با مرگ خود از هر چه بیشتر از جسم بودن به روح شدن رفت و استكمال علمی و علم عینی بیشتر یافت؛ یعنی عینیت علم او افزون شد. او اکنون تشبیه به خداوند را بیشتر از زمانی که در قید ابعاد مادی دنیا بود، دریافت می‌کند. علم او بیشتر شده و علم به علم او برای ما نیز بیشتر خواهد شد. مانده تا او برای اندیشه سیاسی حتی بعد از مرگ ظاهری اش معماری کند. دولت مانده تا ایده «دولت‌معمار» او را در یابد و درّ یابد و حکمرانی هنوز راه دارد تا حکمروایی مورد نظر او را فهم کند؛ زیرا که او دولت‌معمار را از اندیشه امام راحل گرفت و اصطلاح حکمروایی را بر حکمرانی ترجیح می‌داد. بساور دارم از نظر او روا بودن حکم به جای راندن آن به مردم‌سالاری و تغییر مفهوم قدرت یا تقویت جهت صعودی قدرت (از پایین با بالا) حقیقت انقلاب اسلامی یا جمهوریت و اسلامیت آن نزدیک‌تر بود و حکم راندن